

● تحلیل‌ها و گزارش‌ها

ریشه‌های بحران کوزوو و دخالت ناتو

مقدمه:

بین‌المللی پیدا کرده است. در این منازعه بازیگران متعدد هر یک به دنبال تحقق اهداف خویش در حمایت از یک طرف درگیر (آلبانی تبار و صرب) وارد شدند که بررسی انگیزه‌های این قدرت‌ها به عنوان یک تجربه‌ی تاریخی حایز اهمیت می‌باشد.

در تحلیل حاضر، سعی گردید با اشاره به ریشه‌های تاریخی بحران، چگونگی نضج یک معضل داخلی و تبدیل آن به یک مشکل منطقه‌ی و جهانی، علل و عوامل رویکرد بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ی (سازمان ملل متحد، پیمان آتلانتیک شمالی، اتحادیه‌ی اروپایی - ایالات متحده‌ی امریکا و روسیه) به آن، چگونگی تشدید و مدیریت بحران، تأثیر نتایج آن بر تحولات آتی اروپا، جایگاه غرب و روسیه در منطقه و نیز موفقیت ناتو به عنوان یک

درآغاز قرن بیست و یکم، نظام بین‌الملل شاهد تعریف جدیدی از مداخله‌ی انسان‌دوستانه در امور داخلی کشور- ملت‌ها، نقش سازمان‌های منطقه‌ی در حل و فصل منازعات و بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ی و مرزبندی‌های بلوک‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی بوده است. بدون شک بحران کوزوو و جنگ یازده هفته‌ی ناتو علیه یوگسلاوی - که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل صورت پذیرفت، - یک سری هنجارها و رویه‌های جدیدی را وارد ادبیات نظام حقوقی و سیاسی بین‌المللی کرده است. حضور نیروهای بین‌المللی حافظ صلح^۱ در کوزوو و نیروهای غیرنظامی سازمان ملل متحد^۲ در بخشی از سرزمین یوگسلاوی (کوزوو) با وجود مخالفت دولت مرکزی درحالی تحقق یافت که یک بحران داخلی به تدریج ابعاد منطقه‌ی و در نهایت

1. KFOR.

2. UNIMAK.

بازیگر فرا منطقه‌ی در تحمیل اراده‌ی خویش در یک کشور- ملت پرداخته شود.

روش پژوهش در این نوشته، توصیفی- تحلیلی است و متغیرهای دخیل در آن عبارت از منطقه‌ی بالکان، بحران کوزوو، سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، اتحادیه‌ی اروپایی، ایالات متحده‌ی امریکا و روسیه می‌باشد. نقطه‌ی ثقل پژوهش از نظر موضوعی، ریشه‌یابی بحران و نقش بازیگران بین‌المللی و از نظر زمانی دهه‌ی ۹۰ را در برمی‌گیرد.

این پژوهش در دو بخش است. در بخش اول به روند تحولات قبل از مذاکرات صلح رامبویه، نقش بازیگران بین‌المللی در شکل‌گیری بحران، نقش حاشیه‌ی آلمان به عنوان رییس دوره‌ی اتحادیه‌ی اروپایی در کنفرانس صلح و نقش فعال فرانسه و انگلیس در رامبویه، عوامل دخیل در شکست مذاکرات رامبویه و ... پرداخته شده است. در بخش دوم به آغاز حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی، استفاده‌ی میلوشویچ از بحران آوارگان به عنوان ابزار فشار علیه ناتو، آغاز تلاش‌های سیاسی به منظور خاتمه بخشیدن به جنگ، نقش برجسته‌ی اتحادیه‌ی اروپایی به ویژه آلمان در مقطع حساس جنگ، مذاکرات ترویکای

بین‌المللی متشکل از نمایندگان ایالات متحده، روسیه و اتحادیه‌ی اروپایی، ورود گروه هشت در روند بحران، تسلیم بلغراد و ورود شورای امنیت سازمان ملل در اختتامیه‌ی بحران و تصویب قطعنامه‌ی ۱۲۴۴ شورای امنیت اشاره شده است.

بخش اول:

چگونگی شکل‌گیری بحران

با فروپاشی یوگسلاوی سابق و آغاز منازعه‌ی بوسنی به لحاظ توجه وافر جامعه‌ی بین‌المللی به این بحران، آلبانی تبارهای ساکن کوزوو شرایط داخلی و بین‌المللی را برای ابراز وجود و به نوعی احقاق حقوق خویش مساعد ارزیابی نکردند. اما پس از خاتمه‌ی این بحران، مردم کوزوو فرصت را مغتنم شمرده و تحرکات گسترده‌ی سیاسی و نظامی خویش را آغاز کردند. به طور کلی ناسیونالیست آلبانی تبار کوزوو به دنبال تحقق بخشیدن به یکی از چهار انتخاب زیر بوده و می‌باشند و نوع انتخابشان بستگی به میزان توان، امکانات و حمایت‌های بسین‌المللی برای به کرسی نشاندن و خواسته‌هایشان دارد:

۱. بازگرداندن خودمختاری وسیع مندرج در قانون اساسی سال ۱۹۷۴ یوگسلاوی سابق به

آلبانی تبارها برداشته و برقراری گفت و گوهای سیاسی را سرلوحه‌ی سیاست‌های خویش قرار دهد. مسکو پس از این نشست در یک واکنش انفعالی اعلام داشت در صورت عدم بهبود وضعیت کوزوو، از پیشنهاد برقراری تحریم علیه یوگسلاوی حمایت می‌کند. در واقع روسیه از همان ابتدای بحران کوزوو نشان داد که توانایی حمایت از آخرین سنگر خویش در بالکان را ندارد.

به دنبال تشدید فشار بین‌المللی علیه بلغراد، ارتش آزادی‌بخش کوزوو که با کمک قدرت‌های خارجی و حمایت جوانان آلبانی‌تبار، وضعیت مناسبی پیدا کرده بود، تحرکات نظامی خویش را گسترش بخشید و در ژوئن ۹۸ موفق شد کنترل یک سوم از خاک کوزوو را به دست گیرد. به دنبال این کامیابی و در پی اظهارات نسنجیده‌ی رهبری سیاسی KLA، اروپایی‌ها به وحشت افتادند. صرب‌ها با علم به نارضایتی اروپا از تقویت ارتش آزادی‌بخش، در ۲۶ جولای ۹۸ با یک سری عملیات نظامی گسترده توانستند ارتش آزادی‌بخش را با شکست‌های سنگینی روبه‌رو سازند. این رشته عملیات مجدداً موضع صرب‌ها را تقویت کرد.

کوزوو و تأسیس نهادها و مؤسسه‌های خودمختار محلی؛

۲. ارتقای وضعیت کوزوو به یک جمهوری مستقل، هم‌ردیف دو جمهوری دیگر صربستان و مونته‌نگرو در قالب جمهوری فدرال یوگسلاوی؛

۳. جدایی کوزوو از صربستان و استقلال آن به صورت یک کشور مستقل و درخواست شناسایی بین‌المللی؛

۴. الحاق این منطقه به کشور آلبانی و تشکیل آلبانی بزرگ به همراه آلبانی تبارهای ساکن مقدونیه.

نقطه‌ی آغازین بحران کوزوو و توجه ویژه‌ی جامعه‌ی بین‌المللی به آن به درگیری نیروهای امنیتی صرب با شبه نظامیان ارتش آزادی‌بخش کوزوو^۱ برمی‌گردد که در ۲۷ فوریه‌ی ۱۹۹۸ اتفاق افتاد. روند بحران با کشته‌شدن بیش از ۸۰ نفر از مردم آلبانی تبار به دست صرب‌ها در چهارم مارس ۱۹۹۸ تشدید یافت. چهار روز بعد وزرای خارجه‌ی گروه تماس بین‌المللی (متشکل از امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، ایتالیا و روسیه) به منظور بررسی راه‌های مهار بحران کوزوو در لندن گرد هم آمدند. در این نشست با تعیین ضرب‌الاجل، از دولت بلغراد خواسته شد دست از سرکوب

1. Kosovo Liberation Army (KLA).

عوامل تشدید بحران

هم‌زمان با تشدید درگیری‌ها در کوزوو و قتل عام جدید آلبانی تبارها توسط ارتش صربستان، در ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۸ ناتو از میلوشویچ خواست تا به اعمال خشونت در کوزوو خاتمه دهد، در غیر این صورت با حملات هوایی این سازمان مواجه خواهد شد. شورای امنیت سازمان ملل متحد در اول اکتبر، تشدید فشار یوگسلاوی بر آلبانی‌تبارها را محکوم کرد. ویلیام کوهن وزیر دفاع آمریکا، بلگراد را به حمله‌ی هوایی تهدید کرد و کلینتون آمادگی ناتو برای حمله به یوگسلاوی را اعلام داشت. ناتو به میلوشویچ دو هفته مهلت داد تا حملات خود علیه آلبانی‌تبارها را متوقف سازد. در چنین شرایطی ریچارد هولبروک (معمار توافقنامه‌ی دیتون) به عنوان میانجی وارد بلگراد شد و موافقتنامه‌ی معروف به موافقتنامه‌ی ۱۲ اکتبر را با میلوشویچ در یوگسلاوی به امضا رساند. در پی آن موافقتنامه‌ی دیگری بین مقام‌های نظامی یوگسلاوی- ناتو در ۲۵ اکتبر به امضا رسید که براساس آن بخش اعظم نیروهای امنیتی صربستان از کوزوو خارج شدند. هم‌چنین مقرر گردید تعداد ۲۰۰۰ ناظر بین‌المللی از OSCE در کوزوو مستقر شوند و در ۲۴ اکتبر شورای امنیت سازمان ملل اجازه‌ی

استقرار ناظران زمینی و هوایی تحت عنوان: «استقرار نمایندگی تحقیق در کوزوو» را صادر نمود.

در اینجا یک بار دیگر امریکا قدرت خویش را در مدیریت بحران به اثبات رساند و رقابت بین بازیگران بین‌المللی وارد فاز جدیدی گردید. امریکا سعی داشت با چشم‌پوشی از برخی تحریکات شبه نظامیان ارتش آزادی‌بخش کوزوو نوک حملات تبلیغی خود را متوجه میلوشویچ سازد. در حالی که اروپایی‌ها ریشه‌ی بحران را تنها متوجه میلوشویچ نمی‌دانستند، بلکه تحرکات ارتش آزادی‌بخش را در استمرار بحران مؤثر ارزیابی می‌کردند. هم‌چنین اظهارات صریح و روشن اوبر ودرین وزیر خارجه‌ی فرانسه پس از دیدار مسکو- که از سیاست‌های امریکا در قبال بحران کوزوو انتقاد کرده بود- نشان دهنده‌ی بروز اختلاف بین غربی‌ها بوده است.

آغاز تلاش‌های سیاسی

مذاکرات صلح رامبویه

حادثه‌ی روستای راجاک در ۱۴ ژانویه‌ی ۹۹ (کشتار ۴۵ غیرنظامی آلبانی توسط ارتش صربستان)، رد تقاضای لوییس آربور رییس کانادایی دادگاه بازرسی جنایات جنگی

بحران دخالت بیشتری داشته باشند.

در این نشست گروه تماس به طرفین درگیر تا ششم فوریه مهلت داد تا گفت‌وگوهای صلح را در رامبویه واقع در حومه‌ی پاریس آغاز نمایند. هم‌چنین مقرر گردید این مذاکرات به ریاست مشترک رابین کوک و اوبر ودرین وزرای امور خارجه‌ی انگلیس و فرانسه تشکیل شود. نکته‌ی قابل توجه این‌که آلمان از اول ژانویه ریاست ادواری اتحادیه‌ی اروپایی را به دست گرفته بود. اما از آنجا که دولت جوان سوسیال دموکرات آلمان، هنوز موفق به بهره‌برداری از فرصت‌های به وجود آمده در صحنه‌ی اروپا نگردیده بود، زمینه برای سایر رقبا هم‌چون انگلیس و فرانسه هموار شد. اروپا می‌کوشید رهبری بحران کوزوو را به دست گیرد. در چنین شرایطی محور لندن- پاریس با برخورداری از حمایت روسیه و سایر کشورهای اروپایی صاحب نفوذ در بحران سکانشاندار تحرکات سیاسی شده بود.

کنفرانس صلح رامبویه روز شنبه پنجم فوریه‌ی ۹۹ با سخنان ژاک شیراک رییس جمهوری فرانسه و با حضور نمایندگان گروه تماس غرب، نمایندگان دولت بلگراد و آلبانی تبارهای کوزوو در رامبویه واقع در ۵۰ کیلومتری حومه‌ی پاریس در قصر قدیمی افتتاح گردید.

سازمان ملل برای سفر به کوزوو جهت تحقیق قتل عام روستای راجاک از سوی رهبران بلگراد و هم‌چنین عنصر نامطلوب شناختن ویلیام واکر رییس امریکایی هیأت نظارت سازمان همکاری و امنیت اروپا در کوزوو توسط دولت یوگسلاوی، منجر به پیچیدگی‌های جدیدی در بحران کوزوو گردید.

هم‌زمان با اوجگیری بحران و تشدید درگیری بین نیروهای امنیتی صرب و ارتش آزادی‌بخش کوزوو، تلاش‌های سیاسی به منظور یافتن راه حلی برای خاتمه بخشیدن به بحران با تشکیل نشست گروه تماس غرب در سطح وزرای امور خارجه در ۲۸ ژانویه‌ی ۱۹۹۹ در لندن آغاز شد. در این مقطع، فرانسوی‌ها تلاش تازه‌یی را در بحران کوزوو آغاز کردند. شیراک رییس جمهوری فرانسه با استفاده از این فرصت که کلیتون به شدت از سوی سنا به خاطر مسایل اخلاقی درگیر بود، تلاش کرد با هماهنگی با رهبران لندن، بن و مسکو سکانشان گفت‌وگوهای صلح کوزوو را در اختیار گیرد.

تماس‌های سیاسی بین مقام‌های فرانسوی و انگلیسی و در نهایت سفر شیراک به لندن در آستانه‌ی نشست وزرای خارجه‌ی گروه تماس غرب در لندن (۲۷ ژانویه‌ی ۹۹) مؤید این مهم می‌باشد که اروپایی‌ها مایل بودند که در خاتمه‌ی

پس از دو هفته مذاکرات فشرده بین هیأت‌های آلبانی تبارهای کوزوو و صرب، طرفین درگیر نتوانستند به توافق برسند. گفت‌وگوهای صلح هم‌زمان با تهدیدهای اولیه‌ی ناتو به لحاظ برخی ملاحظات هم‌چون دشواری‌های موجود در راه حل نظامی و نیز تلاش جامعه‌ی بین‌المللی به منظور ممانعت از شکست کنفرانس صلح برای حفظ اعتبار قدرت‌های بزرگ به مدت سه روز تمدید گردید. از عوامل عمده‌ی تمدید گفت‌وگوهای صلح می‌توان به سرسختی بلگراد در پذیرش نیروهای نظامی بین‌المللی تحت امر ناتو در خاک خویش و نیز اصرار هیأت آلبانی تبار در برگزاری همه‌پرسی پس از پایان دوره‌ی انتقالی به منظور کسب استقلال یاد کرد.

از منظر غرب و آلبانی تبارها حضور طرف سوم به منظور تضمین اجرای توافق‌های به عمل آمده، امری اجتناب‌ناپذیر بود. اما هیأت صرب که ابتدا شدیداً مخالف حضور نیروهای ناتو در کوزوو بود، نرمش نشان داده و پیشنهاد نمود به جای نیروهای نظامی، ناظران بین‌المللی تحت عنوان واحدهای غیرنظامی سازمان ملل متحد و یا سازمان همکاری و امنیت اروپا در این ایالت مستقر شوند. این پیشنهاد مورد پذیرش غرب واقع نگردید و در نهایت چانه‌زنی‌های سیاسی منجر به طولانی‌تر شدن مذاکرات و

بن‌بست آن گردید.

با قطع سه هفته‌ی مذاکرات بار دیگر طرفین درگیر تحت فشار بازیگران بین‌المللی در ۱۵ مارس ۱۹۹۹ در رامبویه دور جدید گفت‌وگوهای خود را آغاز کردند. مبنای مذاکرات طرحی ده ماده‌ی بود که در آن به حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی تأکید گردید. اما به موضوع استقلال و یا حق تعیین سرنوشت آلبانی تبارها پس از طی سه سال دوره‌ی انتقالی اشاره نشده بود به همین دلیل هیأت صرب از نگرش طرح بر حفظ تمامیت ارضی یوگسلاوی استقبال نموده و برای امضای بخش سیاسی طرح آماده‌تر از آلبانی تبارها بود. اما هیأت آلبانی تبار به شدت نگران بود. صرب‌ها سعی داشتند از ابتدا مذاکرات موضوع نفی استقلال را نهایی و ابدی سازند. یکی دیگر از موارد اختلاف، خلع سلاح آلبانی تبارها بود. ارتش آزادی‌بخش کوزوو به شدت با این امر مخالفت می‌ورزید و همین امر منجر به ایجاد شکاف در جبهه‌ی آلبانی تبارها گردید.

قبل از شروع رسمی دور دوم گفت‌وگوها بازیگران بین‌المللی نهایت تلاش خود را در قانع نمودن طرفین درگیر به کار گرفتند. هاشم تاچی رییس هیأت آلبانی تبار قبل از شروع دور دوم مذاکرات گفت: ارتش

عمل به خود پوشید. حملات ناتو که بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد صورت پذیرفت- در اولین روزها یک سنگینی ویژه‌ی بر تصمیم‌گیرندگان این حمله وارد آورد. اما متحدین غربی با استفاده‌ی بهینه از وضعیت دلخراش آوارگان و با تأکید بر این که ناتو با عنایت به نقض آشکار حقوق بشر در کوزوو دست به چنین اقدام بشردوستانه‌ی زد، حملات خویش را توجیه کردند. علاوه بر این، غرب بر این امر تأکید داشت که هرگاه برای تصمیم‌گیرندگان درخصوص بحران کوزوو به شورای امنیت سازمان ملل متحد مراجعه می‌کردند، قطعاً با مخالفت جدی روسیه و چین در به کارگیری قوه‌ی قهریه علیه بلگراد مواجه می‌شدند. بنابراین ترجیح دادند با توجه به فقدان اتفاق آرا در شورای امنیت، رأساً اقدام نمایند. کوفی انان دبیرکل سازمان ملل متحد ضمن انتقاد از عدم مراجعه به شورای امنیت در حمله به یوگسلاوی، به طور تلویحی پذیرفت که براساس منشور ملل متحد، یک سازمان منطقه‌ی (ناتو) حق مداخله در یوگسلاوی را دارد. وی بعدها گفت هرگاه موضوع (حمله‌ی نظامی به یوگسلاوی) به شورای امنیت محول می‌شد و اعضای شورا به توافق نمی‌رسیدند، آیا حادثه‌ی رواندا در کوزوو تکرار نمی‌شد؟

آزادی‌بخش در داخل خود به توافق رسید تا طرح صلح را بپذیرد. رییس هیأت صرب نیز گفت: «دخالت نیروهای خارجی در کوزوو را به عنوان یک دشمن تلقی می‌کنیم. هرگاه توافق سیاسی حاصل شود، صرب‌ها به تنهایی می‌توانند ضامن اجرای آن باشند».

صرب‌ها در دور دوم مذاکرات رامبویه حاضر به پذیرش حضور نیروهای بین‌المللی در خاک خود نشدند. این درحالی بود که هیأت آلبانی تبار موافقت خود را با اجرای ابتکار صلح که شامل دو بخش سیاسی و نظامی بود اعلام داشت. به دنبال بن بست گفت‌وگوها و سفر هولبروک به بلگراد و عدم موفقیت وی در قانع کردن اسلوبودان میلوشویچ در پذیرش مفاد کنفرانس صلح رامبویه (به ویژه استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو) تهدیدهای غرب و ناتو در به کارگیری حملات هوایی علیه یوگسلاوی جدی‌تر شده و هر لحظه امکان آغاز آن می‌رفت.

بخش دوم:

آغاز حملات هوایی ناتو علیه یوگسلاوی

پس از مخالفت دولت یوگسلاوی در استقرار نیروهای بین‌المللی در کوزوو به منظور تضمین قرارداد صلح سرانجام تهدیدهای ناتو سحرگاه چهارشنبه ۲۶ مارس ۱۹۹۹ جامه‌ی

عملیات ناتو، پیچیدگی‌های بحران و ابتکارات صلح

ناتو در اولین هفته‌ی عملیات نظامی به یک باره با بحران جدی آوارگان مواجه شد که به کشورهای همسایه‌ی یوگسلاوی به ویژه آلبانی و مقدونیه سرازیر شدند. این بحران فشار سنگینی بر رهبران ناتو به وجود آورد. صرب‌ها به نیت پاکسازی قومی و تصفیه‌ی نژادی و هم‌چنین انتقام از آلبانی‌تبارها که بهانه و با وسیله‌ی اهداف حملات ناتو قرار گرفته بودند بر کوچ سازماندهی شده‌ی آلبانی‌تبارها شدت بخشیدند و در این راستا دست به غارت اموال و ویرانی خانه‌های مسکونی و کلیه‌ی دارایی‌های اکثریت آلبانی‌تبارها زدند. میلوشویچ تلاش داشت از اهرم آوارگان در فشار به ناتو به منظور توقف عملیات نظامی این سازمان استفاده نماید و این موضوع در تحولات کوزوو نقش مهمی ایفا کرد و به عنوان یک شرط مهم از سوی بلگراد در پایان یافتن حملات ناتو مبدل گردید.

غرب که از موج آوارگان تحت فشار جدی قرار داشت از ابتکار سفر یوگنی پریماکوف نخست‌وزیر وقت روسیه به بلگراد جهت یافتن راه حلی برای توقف جنگ استقبال کرد. اما در عین حال برای خاتمه بخشیدن به حملات هوایی خود پنج شرط را مطرح کرد و خواستار

قبول بدون قید و شرط دولت بلگراد گردید:

۱. کلیه‌ی عملیات نظامی متوقف و سریعاً به خشونت در کوزوو خاتمه داده شود.
۲. کلیه‌ی نیروهای نظامی، شبه نظامی و پلیس صرب از کوزوو خارج شوند.
۳. استقرار نیروهای نظامی بین‌المللی (ناتو) در ایالت کوزوو.
۴. بازگشت بدون قید و شرط کلیه‌ی آوارگان به کوزوو و دسترسی آنها به کمک‌های بشردوستانه.

۵. اطمینان لازم درخصوص انعقاد موافقتنامه‌ی سیاسی براساس کنفرانس صلح رامبروه؛

هم‌زمان با افزایش حملات هوایی و موشکی ناتو علیه یوگسلاوی و طولانی شدن جنگ در بالکان و نیز تداوم پاکسازی نژادی و اجرای تحریم نفتی علیه یوگسلاوی که با مخالفت روسیه روبه‌رو شد، ابتکارات صلح مختلفی در سطح منطقه‌یی و بین‌المللی هم‌چون طرح‌های صلح دبیرکل سازمان ملل، آلمان، روسیه و یوگسلاوی مطرح گردیدند که هیچ یک قرین به موفقیت نبودند.

- بازگشت آزاد و امن تمامی آوارگان به کوزوو از طریق سازمان‌های کمک رسان بشردوستانه

- روند اساسی به سمت یک توافق برای ایجاد یک نهاد سیاسی موقت که توسط دولت خودمختار برای کوزوو فراهم می‌شود. در این روند اصل حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری فدرال یوگسلاوی و دیگر کشورهای منطقه و خلع سلاح ارتش آزادی بخش منظور شده است.

- دسترسی جامع به تحول اقتصادی و ایجاد ثبات در این منطقه‌ی بحرانی

۲. وزرای خارجه برای اجرای اصول فوق به مدیران سیاسی خود دستور دادند قطعنامه‌یی برای تصویب شورای امنیت سازمان ملل تهیه کنند.

۳. مدیران سیاسی گروه ۸ برای گام‌های منسجم بعدی به سوی راه حل سیاسی بحران کوزوو، جدول زمانی را تنظیم خواهند کرد.

۴. ریاست گروه ۸، رهبری چین را در جریان نتایج نشست وزرای خارجه‌ی گروه ۸ قرار خواهد داد.

۵. وزرای خارجه‌ی گروه ۸ برای بررسی پیشرفت‌های به دست آمده از موارد مورد توافق بار دیگر در زمان مقرر تشکیل جلسه خواهند داد.

افزایش همگرایی بازیگران بین‌المللی و تسلیم بلغراد

نگرانی غرب از استمرار جنگ سبب شد، تلاش‌های سیاسی با محوریت روسیه، امریکا و اتحادیه‌ی اروپایی با هدف دستیابی به یک راه حل سیاسی آغاز گردد. در این راستا مذاکرات کارشناسان گروه هشت و در پی آن گفت‌وگوهای وزرای خارجه‌ی هفت کشور صنعتی غرب و روسیه در آلمان آغاز شد. در پایان این نشست وزرای خارجه‌ی گروه هشت با صدور بیانیه‌ی پنج ماده‌یی زیر تأکید ورزیدند:

۱. وزرای خارجه‌ی گروه ۸ اصول کلی زیر را برای حل سیاسی بحران ایالت کوزوو اتخاذ کرده‌اند.

- پایان فوری و تحقق پذیر خشونت و سرکوب در ایالت کوزوو.

- خروج نیروهای نظامی شبه نظامی و پلیس صرب از ایالت کوزوو.

- حضور امنیتی و غیرنظامی مؤثر بین‌المللی در کوزوو تا بتواند از دست‌آوری اهداف مشترک در کوزوو پاسداری نماید. حضور این نیروها باید به تأیید سازمان ملل رسیده باشد.

- ایجاد یک دولت موقت برای کوزوو به منظور اطمینان بخشیدن به ایجاد شرایط مسالمت‌آمیز برای تمام مردم کوزوو

درحالی که گفت وگوهای سیاسی پیرامون منازعه‌ی کوزوو وارد مرحله‌ی نوینی گردیده بود، شامگاه جمعه ۶ مه ۹۹، سفارت چین در بلگراد مورد اصابت سه فروند موشک هوا به زمین ناتو قرار گرفت که بر اثر این حملات سه تن کشته و بیست و شش تن مجروح شدند. هر چند مقام‌های غربی (رییس جمهور و وزیر خارجه‌ی آمریکا، سولانا دبیرکل وقت ناتو و ...) ضمن ابراز تأسف از وقوع این حادثه از مقام‌های پکن عذر خواهی کردند. اما این اقدام به شدت تحولات کوزوو را تحت الشعاع خویش قرار داد. نگرانی غربی‌ها از احتمال وتوی قطعنامه‌ی شورای امنیت پیرامون ابتکار صلح گروه ۸ از سوی پکن بود.

گرچه در این مقطع تحولات بحران کوزوو تحت الشعاع بمباران سفارت چین در بلگراد قرار گرفت، اما شرایط ویژه‌ی جنگ در بالکان و فشار افکار عمومی بین‌المللی و ... جملگی اهمیت و ضرورت گفت وگوهای سیاسی با هدف خاتمه بخشیدن به منازعه‌ی کوزوو را آشکارتر کرده و بازیگران بین‌المللی را ترغیب به تحقق این هدف می‌نمود. در این زمان با فعال شدن آهتیساری رییس جمهوری فنلاند و رییس دوره‌ی اتحادیه‌ی اروپایی مذاکرات ترویکای بین‌المللی (آمریکا، روسیه و

اتحادیه‌ی اروپایی) صلح شکل گرفت. چرنومیردین، آهتیساری و تالپوت به عنوان نمایندگان روسیه، اتحادیه‌ی اروپایی و آمریکا در امور کوزوو یک سری مذاکرات به منظور نزدیک‌تر کردن دیدگاه‌های سه طرف آغاز نمودند که در نهایت به نتایج قابل قبولی منتهی گردید.

سرانجام یوگسلاوی به لحاظ شرایط داخلی، تداوم حملات هوایی و گستردگی خسارت و افزایش فشار جامعه‌ی بین‌المللی نیز در برخورد با تلاش‌های دیپلماتیک در قالب گروه ۸ نرمش نشان داد و آن را قابل قبول توصیف نمود. با پذیرش طرح گروه ۸ از سوی بلگراد و به دنبال انجام سفر چرنومیردین و آهتیساری به بلگراد در اول ژوئن ۹۹ مذاکرات فرماندهان نظامی ناتو و یوگسلاوی در منطقه‌ی مرزی مقدونیه آغاز گردید. با امضای قرارداد نظامی ناتو- یوگسلاوی و عقب‌نشینی نیروهای صرب از کوزوو بمباران‌های ناتو متوقف و هشتمین جنگ بالکان در اواخر هزاره‌ی دوم خاتمه یافت.

پس از آن وزرای خارجه‌ی گروه هفت و روسیه طی روزهای ششم و هفتم ژوئن در کلن آلمان گرد هم آمدند تا پیش‌نویس قطعنامه‌ی جهت تصویب در شورای امنیت سازمان ملل

برجسته‌تری به عهده گیرد. نکته‌ی قابل توجه این که کشورهای مهم عضو اتحادیه‌ی اروپایی که بعضاً داعیه‌ی رهبری قاره‌ی کهن را در سردارند در این فرآیند وارد رقابت پنهان و آشکاری بایکدیگر شده بودند که این امر بعضاً مورد بهره‌برداری دیگر قدرت‌های دخیل در بحران به ویژه ایالات متحده‌ی امریکا قرار گرفت. واشنگتن که به شدت به دنبال تحکیم جایگاه خویش در امنیت اروپا (در قالب ناتو)

است، پس از آن که مذاکرات صلح رامسبوئه به بن‌بست منتهی گردید، سعی کرد با تجریز حملات هوایی و موشکی علیه یوگسلاوی و تقبل بالغ بر ۷۵ درصد از هزینه‌ی عملیات، باز دیگر مدیریت بحران در اروپا را در اختیار گیرد و حضور بلامنازع خویش در این قاره را برای سالیان متمادی تضمین نماید. جنگ کوزوو هم چون منازعه‌ی بوسنی ثابت کرد که اروپا بار دیگر خود را در حل یک بحران اروپایی ناتوان دید و مجبور شد نقش قدرتمندانه‌ی امریکا در قبال موضوعات مهم سیاسی، نظامی و امنیتی قاره‌ی اروپا را بپذیرد.

هم‌چنین جنگ ۷۸ روزه‌ی ناتو علیه یوگسلاوی دست‌آورد‌های زیر را نیز به همراه داشت:

۱- ناتو بدون مراجعه به شورای امنیت و با

متحد را آماده نمایند. این پیش‌نویس در نشست اضطراری شورای امنیت در تاریخ هفتم ژوئن ۱۹۹۹ به مدت هفتاد دقیقه مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در نشست دهم ژوئن ۱۹۹۹ شورای امنیت به شماره‌ی ۱۲۴۴ با ۱۴ رای موافق و یک رای ممتنع (چین) به تصویب رسید.

نتیجه

در نیمه‌ی اول دهه‌ی ۹۰ و قبل از نضج بحران کوزوو؛ جهان غرب در منطقه‌ی بالکان با بحران بوسنی مواجه شده بود. بنابراین انتظار می‌رفت در فضای نوین بین‌المللی در مدیریت بحران و حل معضل جدید منطقه‌ی با دشواری‌های کمتری روبه‌رو گردد. اما به لحاظ تضاد منافع بازیگران ذی‌نفوذ در بحران اخیر و نیز تفاوت ماهوی بین دو بحران (بحران بوسنی به عنوان یک منازعه‌ی قومی در سرزمین چند ملیتی و کوزوو به عنوان بخشی از یک کشور مستقل) دست‌یابی به یک توافق فراگیر با پیچیدگی‌های زیادی همراه بوده است. در یک چنین وضعیتی اروپا که خود در چارچوب اتحادیه‌ی اروپایی یک همگرایی اقتصادی، سیاسی و امنیتی را تجربه می‌کند، تلاش داشت تا در مقایسه با بحران پیشین (بوسنی) نقش

خود را پذیرفت، بلکه عملاً حاکمیت سیاسی بر بخشی از سرزمین خویش (ایالت کوزوو) را از دست داده و حتی آینده‌ی بازگشت مجدد حاکمیت بلغراد بر کوزوو در حاله‌ی بی‌ازبهام قرار گرفت.

۵- غرب به منظور تحکیم موقعیت خویش در بالکان طرح پیمان ثبات بالکان را در ۳۰ ژوئیه‌ی ۱۹۹۹ از تصویب گذراند. این پیمان باهدف تغییر ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای منطقه به مانند طرح مارشال بعد از جنگ جهانی دوم در اروپای غربی تبیین گردید. و با عدم دعوت از رهبران بلغراد در اجلاس مزبور، نظام سیاسی یوگسلاوی را مورد هدف قرارداد و تمهد کرد تا سرنگونی میلوشویچ از اعطای کمک با هدف بازسازی یوگسلاوی امتناع ورزد. اما برخی تحلیلگران، موفقیت طرح ثبات بالکان را منوط به مشارکت یوگسلاوی به عنوان محرکه‌ی اصلی ثبات در بالکان می‌دانند.

۶- حمله‌ی ناتو به یوگسلاوی به گونه‌ی نگرانی کشورهای که به نوعی دارای معضل اقلیت قومی و نژادی می‌باشند را برانگیخت و در مقابل، توجه و رضایت خاطر تعدادی از کشورهای همسوا غرب را در به کارگیری قوه‌ی قهریه در این نوع از منازعات فراهم آورد.

۷- از دست‌آوردهای روشن بحران کوزوو

استمساک بر اولویت جامعه‌ی بشری به رعایت حقوق انسانی موفق شد هم به گسترش عملی دامنه‌ی نفوذ خود به سمت شرق جامعه‌ی عمل بپوشاند و هم این که جایگاه منطقه‌ی بی‌ویژه اروپایی خود را تحکیم و تقویت نماید.

- این سازمان موفق شد درکنار اقدام‌های نظامی هم‌زمان از ابزارهای سیاسی - اقتصادی (اعمال تحریم) نیز استفاده نماید.

۲- با توجه به نیازمندی‌های نوین کشورهای منطقه، بالکان و بلوک شرق سابق که اکثر آنان متحد سنتی، یوگسلاوی به شمار می‌رفتند، ناتو موفق شد ضمن استفاده از امکانات لجستیکی این کشورها (رومانی، بلغارستان، مقدونیه، آلبانی...) در جنگ ۷۸ روزه علیه بلغراد با وعده‌ی ورود به ساختارهای سیاسی، نظامی و مالی اروپایی، این کشورها را به سوی خود جلب نماید.

۳- ناتو توانست یوگسلاوی را در صحنه‌ی بین‌المللی و منطقه‌ی بی‌شدت منزوی سازد و پس از استمرار حملات بی‌امان هوایی و موشکی، این کشور را مجبور به پذیرش تقاضاهای خویش تحت عنوان شرایط جامعه‌ی جهانی نماید.

۴- بلغراد (به دنبال فشارهای سیاسی نظامی غرب) نه تنها حضور نیروهای بیگانه در خاک

مخالفت اولیه‌ی برخی از آنها در اعطای نقش برجسته به این سازمان سرانجام به منظور مشروعیت بخشیدن به اقدام‌های خویش مجبور شدند به سازمان ملل مراجعه نمایند.

حبیب ولی‌اللهی ملکشاه

احمد جعفری

وزارت امور خارجه

می‌توان به آشکار شدن نقش ضعیف و حاشیه‌یی سازمان ملل متحد و دبیرکل آن اشاره کرد. شاید بتوان دلیل اصلی عدم توانایی سازمان ملل در مدیریت بحران کوزوو را در وجود بازیگران مختلف بین‌المللی و نیز عدم اجماع بین اعضای دایم شورای امنیت در چگونگی برخورد با این بحران جست‌وجو کرد. اما یکی از شگفتی‌های نتایج بحران کوزوو این بود که با وجود تفاوت منافع قدرت‌های بزرگ و





پڙهه ښکاري ځاي ځانسان او مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني